

درس خارج اصول استاد مهدی گنجی

۹۷/۰۲/۰۹

بسم الله الرحمن الرحيم

« فهرست دروس

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر و نهج البلاغه

رجال

دروس به زبان عربی

مباحث مستحدثه حکومتی

سرفصل های 1401 - 1400

پرونده علمی

فهرست مسائل

موضوع درس اساتید

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین (ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه ها

شهرستانها

کربلا

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس ها

راهنما

تقریر نویسی

مشکلات

ثبت نام پخش زنده

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

نرم افزار پخش زنده-رایانه

نرم افزار پخش زنده-اندروید

سایت های مرتبط

کتابخانه مدرسه فقهات

ویکی فقه

ویکی پرسش

فهرست مندرجات

۱ حقیقت شرعیه

۱.۱ خلاصه کلام مرحوم اخوند

۱.۲ مرحوم اغا ضیا و اثبات حقیقت شرعیه از طریق سیره عقلاء

۱.۲.۱ نامگذاری مخترعات در شان شارع بما هو شارع نیست

۱.۲.۲ عدم اثبات حقیقت شرعیه در صورت احتمال حقایق لغویه

۱.۲.۲.۱ اشکال محمد بن مصنف (اقازاده مرحوم اخوند) به کلام

صاحب کفایه

۱.۲.۲.۱.۱ صحت ادعای مرحوم اخوند و رد اشکال محمد

بن مصنف

۱.۲.۲.۱.۱.۱ عدم هماهنگی کلام مرحوم اخوند

موضوع: اثبات حقیقت شرعیه / مقدمه نهم حقیقت شرعیه / مقدمات علم

اصول

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در مورد حقیقت شرعیه بود به نظر مرحوم اخوند اگر معانی شرعیه مخترعه در شریعت اسلام باشند حقیقت شرعیه اثبات میشود ولی اگر این معانی مخترعه نباشند حقیقت شرعیه ثابت نمیشود. بعد فرمود حتی بنا بر عدم احتمال حقایق لغویه باز هم اثبات حقیقت شرعیه مشکل است. استاد جهاتی را در مورد کلام مرحوم اخوند مورد بررسی قرار دادند. جهت اول این بود که استعمال وضعی معانی شرعیه در زمان پیامبر ممکن است. جهت دوم این بود که استعمال

وضعی از نوع استعمال حقیقی است و اینکه نه استعمال حقیقی باشد و نه مجازی باشد درست نیست. جهت سوم این بود که دلیل مرحوم اخوند برای اثبات حقیقت شرعیه درست نیست و تبادری که از جانب ایشان ادعا شده بود درست نیست و همچنین تایید به عدم علاقه بین معانی شرعیه و لغویه درست نیست.

۱. حقیقت شرعیه

۱.۱. خلاصه کلام مرحوم اخوند

بحث در تنمهی کلام مرحوم اخوند بود ایشان برای اثبات حقیقت شرعیه به تبادر تمسک کرده بود که گفته شد وجهی ندارد بعد به عدم علاقه بین معانی جدید و معانی لغویه تایید آورد که عرض شد معانی جدید با معانی قدیم مناسبت دارد و طبیعی ان این است که اگر مخترعی اختراعی میکند از همان الفاظی که معهود بین مردم است استفاده میکند و لو اینکه ان را مرکب کند اینکه مرحوم اخوند این تایید را میاورد درست نیست و مناسبت نیز جای ادعا دارد در زکات و حج که وضوح بیشتری دارد و در نماز نیز مناسبتی بین معنای جدید و قدیم هست اینکه بعضی گفته اند نماز به معنای دعا است و معنای اختراعی شرعی با دعا مناسبتی ندارد درست نیست زیرا نماز به معنای دعا نیست و معنای لغوی ان میل و عطف و التفات است [۱] [۲] نماز عبد نسبت به خداوند یک نوع التفات در ان است و همچنین وقتی در قران دارد که «یا ایها الذین امنوا صلوا علیه و....» [۳] یک نوع التفات به پیامبر است و شاید در ایه مبارکه زکات فصل علیهم [۴] نیز یک نوع التفات و عنایت نسبت به مردم اراده شده است و اظهار رافت به انهاست و لازم نیست دعا کند و یکی از مصادیق مخ نماز همان توجه و التفات است فلذا ادعای مرحوم اخوند درست نیست همان طوری که در تقریرات فرموده است شاید در زمان صدر اسلام مناسبتی بوده است و به خاطر بعد زمان ان را احساس نمیکیم.

۱.۲. مرحوم اغا ضیا و اثبات حقیقت شرعیه از طریق سیره عقلاء

برای اثبات حقیقت شرعیه ایشان فرموده است [۵] که سیره عقلا بر این است که اگر شخصی اختراعی انجام میدهد برای ان اسمی اختراع میکند و در قبال اختراع مسوول به نام گذاری است شارع نیز این راه را پیروی کرده است پس بنا

بر این که این اسامی مخترعه است باید به طور طبیعی شارع مقدس برای آنها نام گذاری کرده باشد و این همان حقیقت شرعیه است.

۱.۲.۱ نامگذاری مخترعات در شان شارع بما هو شارع نیست

ما سیره عقلا را قبول میکنیم که به همین نحو است و نامگذاری میکنند اما اینکه ایشان فرموده است که شارع از عقلا است و همین راه را رفته است درست نیست زیرا شان شارع امر و نهی است و اسم گذاری در شان پیامبران نیست و این کار در شان شارع بما هو شارع نیست. پس و لو اینکه سیره هست ولی دلیل باید اقامه بشود که شارع نیز این سیره را رفته است و برای افهام معانی جدید با دوال دیگری استفاده کرده است. و از طرفی چون ما شک داریم فلذا اثبات آن مشکل است.

۱.۲.۲ عدم اثبات حقیقت شرعیه در صورت احتمال حقایق لغویه

مرحوم اخوند در ادامه کلامش ادعا کرده است که این مطالب بنا بر این است که این معانی مخترعه باشد اما اگر گفتیم که این معانی در شرایع سابقه نیز هست کما اینکه مقتضای بعضی از آیات قرآن نیز هست (نمیگوید ظاهر بعضی از آیات است). دیگر حقیقت شرعیه ثابت نیست.

آن قلت: قطعاً پیامبر بر این معانی اضافاتی و تغییراتی انجام شده است و این اختلاف ها باعث جدید شدن آنها میشود.

قلت: این تغییرات در ماهیت نبوده است و در جزئیاتی بوده است که موجب تغییر ماهیت نبوده است مانند تغییراتی که در شریعت اسلام است که مثلاً نماز به حسب اختلاف افراد تغییر میکند.

۱.۲.۲.۱ اشکال محمد بن مصنف (اقزاده مرحوم اخوند) به کلام صاحب کفایه

این فرمایش مرحوم اخوند مورد مناقشه قرار گرفته است اقا زاده مرحوم اخوند فرموده است اینکه این معانی قدیمی باشد لازمه اش این باشد که این الفاظ حقایق لغویه باشد درست نیست بلکه ما میگوییم که این معانی قبلاً بوده است ولی باز هم حقیقت شرعیه است چون این الفاظ که نبوده است مثلاً عبرانی بوده است و این الفاظ عربی است. برای حقیقت لغویه دو چیز لازم است یکی لفظ قدیم و دیگری معانی قدیم است ولی در اینجا لفظ قدیمی نیست. اینکه مرحوم اخوند فرموده است اگر این حقایق، حقایق لغویه است چون در زمان های قدیم بوده است درست نیست

۱.۲.۲.۱.۱ صحت ادعای مرحوم اخوند و رد اشکال محمد بن مصنف

به نظر ما این اشکال وارد نیست این که مرحوم اخوند میگوید این حقایق اگر قدیمی بوده است پس الفاظ آنها قدیمی است میخواهد بگوید که همین الفاظ نیز در زمان های قدیم بوده است و حق هم همین است زیرا در کتاب های قبلی این الفاظ بوده است ولی مختصر تغییری شده است مثلاً در کتاب انجیل صلات و زکات بوده است و در آنها صلوات و زکوت بوده است که با واو خوانده میشدند بعد به الف تلفظ شده میشدند و بعضی میگویند که این واقعیتی که الان اسمش صلات است به طور طبیعی در زمان های قبلی همین لفظ بوده است و وقتی قرآن نازل شد دیگر سوال از صلات و زکات و غیره نمیکردند و مردم جزیره العرب با این الفاظ مانوس بودند فلذا این ادعای مرحوم اخوند درست است که اگر این معانی قدیمی باشند الفاظ آنها نیز قدیمی است. خیلی بعید است که این الفاظ بی سابقه بوده باشند.

۱.۲.۲.۱.۱.۱ عدم هماهنگی کلام مرحوم اخوند

مرحوم اخوند ادعا کرده است [۶] که اگر این معانی قدیمه باشند الفاظ آنها نیز حقایق لغویه است پس اختلاف های بین آنها در زمان های سابق و شریعت اسلام مضر نیست و اختلاف آنها شاید از نوع تغییرات ماهیت های اعمال در شریعت اسلام باشد.

مشکل ما این است که شاید این تغییرات اختلاف ماهوی بوده است باید گفته شود که ادعای مرحوم اخوند باید با احتمال این ادعای خود را بیان کند زیرا خود ایشان میگوید شاید این تغییرات نظیر تغییرات به حسب اختلاف افراد و مکان ها در شریعت اسلام است و تعبیر به شاید با ادعای قطعی در طرف مقتضای آیات ناسازگار است. پس از یک طرف ادعای قطعی میکند و میگوید اگر حقایق لغویه باشند دیگر حقیقت شرعیه نیست بعید میگوید شاید اختلاف ان ها نظیر اختلاف باشد.

حاصل کلام: برای حقیقت شرعیه یک از دو امر لازم است یا باید معانی مخترعه باشد یا معانی قدیم است ولی آورده پیامبر با ان جزئیات موجب جدید شدن آنها میشود. چرا اگر معانی قدیمی باشد باید الفاظ نیز قدیمی باشد؟ نتیجه اگر معانی مخترعه باشد حقیقت شرعیه ثابت میشود و اگر مخترعه نبود و از طرفی ان اضافات اگر موجب تغییر شده است باز هم حقیقت شرعیه است و الا دیگر حقیقت شرعیه ثابت نیست.

بله اگر کسی ادعا کرد که ظاهر آیات شریفه این است که حقیقت اعمال در شریعت های قبلی و اسلام متحد است و الا باید در آیات قران استخدام قائل بشویم و استخدام خلاف ظاهر است کما اینکه شهید صدر این مطلب رامیگوید.

ایا از آیات وحدت حقیقت استفاده میشود؟ این استفاده نیاز به تکلف دارد. اینکه کسی بگوید حقیقت نماز دین سابق با دین اسلام متحد است در خارج اثبات ان سخت است.

تتمه کلام در جلسه بعد

[۱] نهاية الدراية في شرح الكفاية، محمد حسين اصفهاني، ج ۱، ص ۴۶.

[۲] نهاية الافكار، العراقي، آقا ضياء الدين، ج ۱، ص ۵۱.

[۳] احزاب/سوره ۳۳، آیه ۵۳.

[۴] توبه/سوره ۹، آیه ۱۰۳.

[۵] نهاية الافكار، آقا ضياء الدين العراقي، ج ۱، ص ۷۱...، فان كل مخترع لماهيّة من الصدر الأوّل إلى الآن بنائه و ديدنه على وضع لفظ مخصوص أيضا بإزاء ما اخترعه من الماهيّة لا انه يستعمل فيه اللفظ مجازا بلا وضع اسم خاصّ لما اخترعه، و من المعلوم أيضا أنّ الشارع في مقام شاريّة و اختراعه لتلك الماهيّات أو إمضائه لها بين رعيّته ما جاوز هذه الطريقة المألوفة، حيث أنّه من المستبعد جدّاً ان يكون له في ذلك طريقة خاصّة غير ما جرى عليه ديدن العقلاء، و إلّا يلزم عليه البيان بكونه غير سالك لما هو طريقة العقلاء لكي لا يحملوا اللفظ الصادر منه عند خلوه عن القرينة على المعنى الشرعي مع أنّه صلى الله عليه و آله لم يقم بيانا على ذلك فكان نفس عدم بيانه لذلك كاشف كون جريه على طبق ديدن العقلاء فيثبت بذلك الوضع و الحقيقة الشرعيّة

[۶] كفايه الاصول، آخوند خراساني، ج ۱، ص ۲۲..و أما بناء على كونها ثابتة في الشرائع السابقة كما هو قضية غير واحد من الآيات مثل قوله تعالى كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ «۱» و قوله تعالى وَ أَدِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ «۲» و قوله تعالى وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا «۳» إلى غير ذلك فألفاظها حقائق لغوية لا شرعية و اختلاف الشرائع فيها جزءا و

شرطاً لا يوجب اختلافها في الحقيقة و الماهية إذ لعله كان من قبيل الاختلاف
في المصاديق و المحققات كاختلافها بحسب الحالات في شرعنا كما لا يخفى



www.baharsound.ir, www.wikifeqh.ir, lib.eshia.ir